

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Victimological Analysis of War Crime Victims in Light of Islamic Jurisprudential Teachings

Hassan Shavandi¹, Heydar Ali Jahanbakhshi^{*2}, Seyed Hassan Abedian Kalkhoran³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Law, Isl.C., Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

3. Department of Jurisprudence and Law, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

* Corresponding Author's Email: jahanbakhshi46@gmail.com

ABSTRACT

From the beginning of human history to the present, the world has witnessed countless conflicts, confrontations, and wars of varying scales. One of the key elements in this context is attention to victims and their needs and rights. Since the early days of criminal law in ancient societies to the modern era, the victim has played a central role in criminal proceedings and has been regarded as one of the main actors in this domain. The emergence of victimology movements in recent decades and their impact on crime reduction have redirected criminologists' focus toward new perspectives, including civilian victims and support for those affected by war crimes. Today, war crimes, in diverse forms and with numerous victims, continue to threaten the survival of humanity. This reality necessitates a descriptive-analytical study to examine mechanisms for protecting victims. What is particularly significant in this regard is the implementation of practical policies aimed at safeguarding the rights of victims. The primary objective of the present study is to conduct a victimological analysis of those affected by war crimes in light of religious teachings. The findings of this research indicate that contemporary humanitarian law has developed specific rules for the conduct of war and the legal framework governing it. However, many of the principles emphasized in modern international legal systems had already been established in Islamic teachings, even before the formal emergence of human rights norms related to armed conflict.

Keywords: war crimes, civilian victims, international criminal law, Islamic criminal law.

How to cite: Shondi, H., Jahanbakhshi, H. A., & Abedian Kalkhoran, S. H. (2025). Victimological Analysis of War Crime Victims in Light of Islamic Jurisprudential Teachings. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(2), 1-17.



تاریخ ارسال: ۸ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۳ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۶ تیر ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل بزه دیده شناختی آسیب دیدگان جنایات جنگی در پرتو آموزه‌های فقهی

حسن شوندی^۱، حیدرعلی جهان بخشی^۲، سیدحسن عابدیان کلخوران^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. گروه فقه و حقوق، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام شهر، ایران.

۳. گروه فقه و حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: jahanbakhshi46@gmail.com

چکیده

تاریخ بشر از آغاز تاکنون مملو از منازعات، درگیری‌ها و جنگ‌های بزرگ و کوچک بوده است. یکی از ارکان مهم در این میان، توجه به بزه دیدگان و نیازها و حقوق آنان است. بزه دیده از نخستین روزهای پیدایش حقوق کیفری در جوامع باستانی تا دوران معاصر، نقشی عمده در دعاوی کیفری ایفا کرده و به عنوان یکی از بازیگران اصلی این عرصه محسوب می‌شده است. ظهور جنبش‌های بزه دیده شناسی در دهه‌های اخیر و تأثیر آن‌ها در کاهش جرایم، جرم شناسان را به چشم اندازهای جدیدی مانند بزه دیدگان غیرنظامی و حمایت از آسیب دیدگان جنایات جنگی معطوف کرده است. در حال حاضر، جنایات جنگی با شیوه‌های گوناگون و قربانیان متعدد، حیات بشر را تهدید می‌کند. این موضوع ضرورت پژوهش توصیفی-تحلیلی را برای بررسی راهکارهای حمایت از بزه دیدگان ایجاد کرده است. آنچه در این زمینه اهمیت ویژه دارد، اتخاذ سیاست‌های کاربردی در راستای حمایت از حقوق آسیب دیدگان است. هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل بزه دیده شناختی آسیب دیدگان جنایات جنگی در پرتو آموزه‌های دینی است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در حقوق بشردوستانه معاصر، قواعد مشخصی برای مدیریت جنگ و مقررات حاکم بر آن تدوین شده است. باین حال، اصولی که امروز در نظام حقوق بین الملل مورد تأکید قرار گرفته اند، پیش تر در تعالیم اسلامی، حتی پیش از ظهور قواعد رسمی حقوق بشر در زمان جنگ، وجود داشته‌اند.

کلیدواژگان: جنایات جنگی، بزه دیدگان غیرنظامی، حقوق کیفری بین المللی، حقوق کیفری اسلامی.

نحوه استناددهی: شوندی، حسن، جهان بخشی، حیدرعلی، و عابدیان کلخوران، سیدحسن. (۱۴۰۳). تحلیل بزه دیده شناختی آسیب دیدگان جنایات جنگی در پرتو آموزه‌های فقهی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۲)، ۱-۱۷.



مقدمه

جنگ‌ها یکی از پدیده‌های مهم و اثرگذار در تاریخ حیات بشری هستند که از آغاز زندگی اجتماعی با انسان همراه بوده‌اند. جنگ ذاتاً مخرب، ویرانگر و آسیب‌زا است، اما هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعا کند که در شرایط بحرانی، هرگز درگیر جنگ نخواهد شد؛ چراکه جنگ رخدادی جهانی است و آثار و پیامدهای آن کل جامعه را در بر می‌گیرد. جنگ‌ها به‌عنوان عامل اصلی خشونت، افراد بسیاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، از جمله غیرنظامیان که در مناطق جنگی به‌عنوان بزه‌دیده، کاملاً بی‌دفاع در برابر نقض حقوق انسانی و طبیعی خود قرار می‌گیرند. این افراد در جوامع جنگ‌زده با انواع خشونت‌های جسمی و روحی مواجه می‌شوند. برخورد قاطع جامعه بین‌المللی با این پدیده می‌تواند تأثیرات مثبتی در پیشگیری از اقدامات غیرانسانی در جوامع درگیر جنگ داشته باشد. در این زمینه، حقوق بین‌الملل، کارکردهای حقوق جنگ مسلحانه را در دو حوزه تعریف کرده است: حقوق پیش از جنگ و حقوق زمان جنگ. حقوق پیش از جنگ تلاش می‌کند با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، وقوع جنگ را محدود یا از آن جلوگیری کند. از سوی دیگر، حقوق زمان جنگ مدیریت و تعدیل استفاده از زور در زمان جنگ را مدنظر دارد. با وجود محدودیت‌های حقوق پیش از جنگ، جنگ همچنان در جهان ادامه دارد و در این شرایط، حقوق زمان جنگ می‌تواند تجاوزات طرفین را کاهش دهد (Bayliss et al., 2018).

بر اساس اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵، بزه‌دیده به‌عنوان شخصی تعریف می‌شود که «به‌صورت فردی یا جمعی متحمل خسارت‌هایی از قبیل صدمات جسمی، روحی، زیان مادی یا آسیب جدی به حقوق اساسی خود در نتیجه نقض قوانین کیفری شده است» (Wallin, 2006).

قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز «بزه‌دیده را شخصی می‌داند که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است» (ماده ۱۰ آیین

دادرسی کیفری). از نظر حقوق‌دانان، «بزه‌دیده کسی است که علیه او جرمی ارتکاب یافته و به‌واسطه آن، دچار زیان مادی یا معنوی شده است» (Mansourabadi & Foroughi, 2016).

به‌طور کلی، «بزه‌دیده شخصی است که به‌دنبال وقوع جرم، متحمل آسیب بدنی، روانی، رنج عاطفی، زیان مالی یا نقض حقوق اساسی خود شده باشد». در نظام دادرسی اسلام و حقوق بین‌الملل، بزه‌دیده جایگاه ویژه‌ای دارد. اسلام، بزه‌دیده را مظلوم تلقی می‌کند و احقاق حقوق او را از اهداف الهی می‌داند. در این راستا، قانون آیین دادرسی کیفری ایران که مبتنی بر حقوق اسلامی است، توجه ویژه‌ای به حقوق بزه‌دیده داشته و نسبت به قوانین پیشین، حقوق مادی و معنوی او را با دقت بیشتری مدنظر قرار داده است (Hatami & Asadi, 2019).

در تعالیم اسلامی، قرآن به‌طور ویژه به حمایت از بزه‌دیدگان پرداخته و مجازات ظالمان را به‌عنوان یکی از اصول خود مطرح کرده است. هم‌چنین امام علی(ع) بر ضرورت مقابله با ظالمان و یاری بزه‌دیدگان تأکید کرده و احقاق حقوق آنان را وظیفه حکومت اسلامی می‌داند (Salimi, 2017).

حمایت از بزه‌دیدگان در جوامع جنگ‌زده باید به‌عنوان یکی از ارزش‌های اساسی شناخته شود. از این‌رو، تدوین منابع قانونی برای تضمین حقوق بزه‌دیدگان در سطح بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار است. آسیب‌هایی که به غیرنظامیان وارد می‌شود، می‌تواند پیامدهای ناگواری برای افراد و جامعه به همراه داشته باشد. بنابراین، حمایت از غیرنظامیان در جنگ‌ها به معنای اتخاذ روش‌ها و ابزارهای کیفری و غیرکیفری برای احیای حقوق آن‌ها و تسهیل دسترسی به این ساختارها امری ضروری است.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل بزه‌دیده‌شناختی آسیب‌دیدگان جنایات جنگی، به‌ویژه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، و بررسی این مسئله در پرتو آموزه‌های دینی، به این مهم می‌پردازد.

۱. مفهوم «بزه‌دیده»

هانتینگ، که به عنوان پدر علم بزه‌شناسی شناخته می‌شود، بزه‌دیده را این گونه تعریف می‌کند:

«بزه‌دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل می‌دهد».

هانتینگ این مفهوم را در معنای محدود و با تمرکز بر مجنی علیه مطرح کرده است (Eslami, 2016).

در اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۵)، بزه‌دیده به این صورت تعریف شده است:

«قربانیان، اشخاصی هستند که به صورت فردی یا جمعی، متحمل خسارت می‌شوند؛ این خسارت می‌تواند شامل صدمات جسمی یا روحی، زیان مالی، یا آسیب جدی به حقوق اساسی آن‌ها باشد که در اثر فعل یا ترک فعل ناشی از نقض قوانین کیفری رخ می‌دهد» (Wallin, 2006).

مطابق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم، دچار ضرر و زیان می‌شود. بر این اساس، بزه‌دیده را می‌توان چنین تعریف کرد:

«بزه‌دیده شخصی است که به دنبال وقوع جرم، آسیب جسمی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی، یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود را تجربه کرده باشد» (Wallin, 2006)

ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله دیوان در دو بند به تعریف بزه‌دیده می‌پردازد:

۱. قربانیان به معنای اشخاص حقیقی هستند که در نتیجه ارتکاب جرایمی که در صلاحیت دیوان قرار دارند، دچار آسیب شده‌اند.

۲. قربانیان ممکن است شامل سازمان‌ها یا نهادهایی شوند که اموال آن‌ها برای مقاصدی همچون مذهب، آموزش، هنر، علم، یا اهداف خیریه تخصیص یافته است و به آثار تاریخی، بیمارستان‌ها یا دیگر اماکن و اشیایی که برای

مقاصد بشردوستانه استفاده می‌شوند، آسیب مستقیم وارد شده است (Lal Alizadeh, 2015).

بر اساس عبارت‌پردازی ماده ۸۵ آیین دادرسی و ادله، به نظر می‌رسد تعریف ارائه‌شده با رویکرد جرم‌شناختی سازگار است. در این تعریف، استفاده از عبارت «دچار آسیب شده‌اند» پس از ذکر ارتکاب جرم نشان می‌دهد که شناسایی فرد به‌عنوان بزه‌دیده پس از وقوع جرم انجام می‌شود. این تعریف به احراز مجرمیت و محکومیت فرد نیاز ندارد، اما به دلیل عدم استفاده از عباراتی مانند «به طوری که ادعا شده است»، موقعیت قربانی تنها زمانی به رسمیت شناخته می‌شود که در خصوص ارتکاب جرم قضاوت نهایی انجام گرفته باشد (Lal Alizadeh, 2015).

۲. مفهوم «جنگ» و «جنایات جنگی»

جنگ در حقوق بین‌الملل به‌عنوان شیوه‌ای از اجبار همراه با اعمال قدرت و زور تعریف می‌شود. از نظر حقوقی، جنگ به این صورت تعریف شده است:

«جنگ به‌عنوان ابزاری برای سیاست ملی، مجموعه‌ای از عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه است که در چارچوب مناسبات بین کشورها رخ می‌دهد و قواعد خاصی را بر روابط آن‌ها با یکدیگر و با کشورهای ثالث حاکم می‌کند».

در چنین وضعیتی، حداقل یکی از طرفین مخاصمه در تلاش است تا نقطه‌نظرهای سیاسی خود را بر دیگری تحمیل کند. به این ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه ابزاری برای اعمال اراده مهاجم محسوب می‌شود (Ziaei Bigdeli, 2001).

بر همین مبنا، جنایت جنگی به نقض مقررات و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی اطلاق می‌شود. این جنایت، به‌عنوان یکی از جرایم بین‌المللی، تعریف مشخصی در حقوق بین‌الملل ندارد و برای نخستین بار در عهدنامه لاهه (۱۹۷۷) به صورت مبهم در رابطه با قوانین و عرف‌های جنگ به کار رفته است. در اساسنامه

۳. حقوق بزه‌دیدگان غیرنظامی در حقوق بین‌الملل

اسناد بین‌المللی در مورد جنایت علیه بشریت، جمعیت غیرنظامی را به‌عنوان موضوع اصلی جنایات می‌دانند. این ویژگی از شرایط اساسی برای تحقق این جنایات است، به این معنا که رفتارهای مجرمانه باید علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب یابد (Beigi & Nejati, 2021). منظور از جمعیت غیرنظامی، گروهی است که اکثریت اعضای آن غیرنظامی باشند، حتی اگر تعداد محدودی از نظامیان نیز در میان آن‌ها حضور داشته باشند؛ این امر ماهیت غیرنظامی بودن جمعیت را تغییر نمی‌دهد (Pourbafrani, 2018).

مطابق آرای محاکم کیفری بین‌المللی، اعضای جمعیت غیرنظامی شامل افرادی هستند که هیچ‌گونه مشارکتی در عملیات جنگی ندارند. این تعریف همچنین شامل افرادی از نیروهای نظامی می‌شود که سلاح خود را زمین گذاشته‌اند و به دلایلی مانند بیماری، جراحت، یا دستگیری ناتوان از جنگیدن هستند (Beigi & Nejati, 2021).

کنوانسیون ژنو، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مفادی را برای حفاظت از افرادی که در جنگ مشارکت ندارند، تعیین کرده است. قرارداد دوم ژنو در سال ۱۹۴۹، به بهبود وضعیت زخمی‌ها، بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا اختصاص یافت و به‌منظور تجدیدنظر در قرارداد ۱۹۰۶ ژنو تدوین شد.

شناسایی حق دریافت غرامت برای قربانیان جنگ، هم در محاکم داخلی برخی کشورها و هم در سطح بین‌المللی، سابقه‌ای طولانی دارد. این حق به‌صورت فردی و دسته‌جمعی در محاکم و دکتترین شناخته شده و در پنج شکل مختلف قابل تحقق است:

۱. اعاده وضع به حال سابق؛
۲. پرداخت غرامت؛
۳. توانبخشی؛

دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، جنایات جنگی به‌عنوان اعمالی که در خلال درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی ارتکاب یافته‌اند، تعریف شده است. در این اساسنامه، جنایت جنگی این‌گونه بیان شده است:

«نقض قوانین و رسوم جنگ شامل بدرفتاری یا تبعید سکنه غیرنظامی نواحی اشغالی به‌منظور کار اجباری یا مقاصد دیگر، قتل یا بدرفتاری با زندانیان یا افراد در دریا، اعدام گروگان‌ها، غصب و غارت اموال عمومی یا خصوصی بدون دلیل، یا تخریبی که ضرورت نظامی آن را ایجاب نمی‌کند» (Javani, 2011).

در اساسنامه دادگاه رواندا، جنایات جنگی به‌عنوان جرایمی که در درگیری‌های داخلی رخ داده‌اند، تعریف شده است. ماده ۴ این اساسنامه تحت عنوان «تخلفات از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم» تنظیم شده است (Kity Chaisari, 2004).

بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات جنگی به چهار دسته عمده تقسیم می‌شوند:

۱. جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

مندرج در قسمت الف ماده ۸(۲)، که نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو را جرم می‌شمارد.

۲. نقض قوانین و عرف‌های مسلم حقوق بین‌الملل مندرج

در قسمت ب بند ۲ ماده ۸، که جرایم مرتبط با مخاصمات بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

۳. جنایات جنگی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی

مندرج در قسمت ج ماده ۸(۲)، که نقض فاحش ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو را شامل می‌شود.

۴. دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرف‌های قابل اجرا

در مخاصمات غیربین‌المللی مندرج در قسمت ه ماده ۸(۲)، که در چارچوب حقوق بین‌الملل تعریف شده‌اند

(Ahmadnia & Ahmadnia, 2021).

۴. جلب رضایت؛

۵. تضمین عدم تکرار.

آسیب‌دیدگان می‌توانند خواستار حقوق مادی و معنوی خود در دادگاه‌های بین‌المللی شوند. دولت‌ها موظف به حمایت همه‌جانبه از این افراد هستند. با این حال، مهم‌ترین راه پیگیری حقوق قربانیان، از طریق مناسبات دیپلماتیک به نظر می‌رسد.

پیش از سال ۱۹۴۹، در حالی که نظامیان تحت پوشش عهدنامه‌های ژنو قرار داشتند، غیرنظامیان از هرگونه حمایت حقوقی محروم بودند (Shiri, 2016)، اما با انعقاد عهدنامه ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، اتباع غیرنظامی دشمن به‌طور رسمی تحت حمایت حقوقی قرار گرفتند و عنوان «شخص حمایت‌شده» را دریافت کردند. مطابق این عهدنامه:

- افراد غیرنظامی مقیم در سرزمین دشمن حق دارند به کشور خود بازگردند.
- بازداشت غیرنظامیان تنها در صورت ضرورت برای تضمین امنیت کشوری که در آن اقامت دارند، مجاز است و نظارت مقامات قضایی یا اجرایی بر این بازداشت‌ها ضروری است.
- دولت محل اقامت نمی‌تواند اتباع غیرنظامی دشمن را به‌عنوان زندانیان جنگی تلقی کند.
- افراد غیرنظامی حق دارند از حقوق مدنی خود بهره‌مند شوند و دعاوی خود را نزد محاکم محلی اقامه کنند (Hashemi et al., 2023).

بر اساس عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو، اذیت و آزار بدنی غیرنظامیان دشمن به هر شکلی ممنوع است. این افراد می‌توانند به مقامات حمایت‌کننده، مانند نمایندگان کشورهای بی‌طرف، مراجعه کنند. همچنین طبق کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی آن در سال ۱۹۷۷، غیرنظامیان و افرادی که در جنگ مشارکت ندارند نباید تحت هیچ شرایطی هدف حمله قرار گیرند.

حقوق بزه‌دیدگان غیرنظامی در جنگ، با تکیه بر اصول بشردوستانه بین‌المللی، از حمایت گسترده‌ای برخوردار است. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن چارچوبی جامع برای حفظ حقوق این افراد ارائه داده‌اند. دولت‌ها و جامعه بین‌المللی مسئولیت دارند تا این حقوق را به‌صورت کامل رعایت و اجرا کنند.

۴. حقوق بزه‌دیده در اسلام

در حقوق اسلام، بزه‌دیده و مظلوم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. یکی از اهداف اصلی حقوق اسلام، مبارزه با ظلم، استیفای حقوق بزه‌دیده از ظالم، و بیان مجازات‌های دنیوی و اخروی برای بزه‌کار است. قرآن کریم همواره از بزه‌دیده در برابر ظالم حمایت کرده و ظالم را به مجازات‌های سخت در دنیا و آخرت وعده داده است. در این راستا، تأکید شده که خداوند از حقوق خود ممکن است بگذرد، اما از حقوق الناس نمی‌گذرد. این اصل نشان‌دهنده حمایت کامل از حقوق بزه‌دیده است؛ به‌ویژه زمانی که خداوند می‌فرماید حتی اگر عملی به اندازه ذره‌ای باشد، آن را محاسبه خواهد کرد. قرآن به‌عنوان قانون الهی، وعده حمایت از بزه‌دیده، جبران خسارات، و مجازات ظالمان را در دنیا و آخرت داده است. وعده قسط و عدالت در آن همواره مشهود است (Hatami & Asadi, 2019).

پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) نیز در طول زندگی پربار خود، در تفسیر آیات قرآن به حمایت از حقوق بزه‌دیده و مبارزه با ظالمان پرداخته‌اند. آنان در استیفای حقوق مظلوم، لحظه‌ای درنگ نمی‌کردند و روایات و احادیث به‌جامانده از ایشان، گواه این حقیقت است. حقوق اسلام که مظهر عدالت الهی است، برگرفته از قرآن، سنت پیامبر، و امامان معصوم است.

الف) دیه:

یکی از نهادهای پیش‌بینی‌شده در حقوق اسلامی، «دیه» است که مالی است پرداختی به بزه‌دیده یا ولی دم او به دلیل جنایت بر نفس

«پس کسی که بر شما تجاوز کرد، همان‌گونه که بر شما تجاوز کرده است، بر او تجاوز کنید و از خدا پروا نمایید (که از مرز مقابله به مثل تجاوز نکنید)».^۵

لذا میتوان اینگونه جمع‌بندی نمود که حقوق اسلام، بر حمایت از بزه‌دیده، جبران خسارات، و مجازات ظالم تأکید دارد. آموزه‌های قرآنی و روایات اسلامی به‌طور دقیق مسیر تحقق عدالت و استیفای حقوق مظلومان را مشخص کرده‌اند. اجرای این اصول، علاوه بر جبران خسارات مادی، حس عدالت‌خواهی و امنیت اجتماعی را تقویت می‌کند.

۵. تفکیک نظامیان و غیرنظامیان

در اسلام، تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان در جنگ مورد تأکید جدی قرار گرفته و از کشتار غیرنظامیان منع شده است. در آیه ۱۹۰ سوره بقره، تأکید شده که رزمندگان اسلام باید این اصل را رعایت کنند و تنها با نظامیانی که در برابر اسلام سلاح کشیده‌اند، مبارزه کنند. بنابراین، استفاده بی‌هدف از سلاح‌هایی که هم به رزمندگان و هم به غیررزمندگان، بدون تمایز آسیب می‌رساند، در اسلام ممنوع است (Mohaghegh Damad, 1996).

علاوه بر این، در جنگ نباید از ضرورت‌های نظامی فراتر رفت. بر اساس تعالیم اسلامی، مثله کردن سربازان دشمن، شکنجه اسرای جنگی، و تعرض به غیرنظامیان مانند زنان، کودکان، سالمندان، بیماران و دیگر افراد بی‌گناه جایز نیست. پیامبر اکرم (ص) در این زمینه فرموده‌اند:

«اغزوا باسم الله و فی سبیل الله... اغزوا و لا تغلوا و لا تغدروا و لا تمثلوا و لا تقتلوا ولیداً؛ با نام خدا و در راه خدا پیکار نمایید... بجنگید، اما خیانت نکنید، مثله نکنید و کودکان را نکشید» (Abdul Baqi, 1991).

یا عضو. دیه در واقع نوعی جبران خسارت مادی ناشی از جرم است. قرآن کریم صراحتاً به این مسئله اشاره کرده و می‌فرماید: «هرکس مؤمنی را به خطا بکشد، بر اوست که برده‌ای مؤمن آزاد کند و دیه‌ای به خانواده او بپردازد. اگر مقتول مؤمن باشد و از قومی که با شما پیمانی دارند، قاتل باید دیه‌ای به خانواده مقتول بپردازد».^۱

ب) تأکید قرآن بر حمایت از بزه‌دیدگان:

قرآن کریم در موارد متعددی بر حمایت از بزه‌دیده و مقابله با ظالمان تأکید کرده است. در آیه‌ای آمده است:

«خداوند فریاد آشکار و بلند را دوست ندارد، مگر آنکه کسی مورد ظلم قرار گرفته باشد. خداوند شنوا و داناست».^۲

همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر حمایت از بزه‌دیده و مقابله با ستمگران را وظیفه‌ای دینی می‌داند و می‌فرماید:

«چرا در راه خدا و در راه مردان، زنان، و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟».^۳

در تفسیر این آیه آمده است که مسلمانان موظف‌اند، به‌اندازه توان خود، شر ستمگران را دفع کرده و مظلومان را یاری دهند.

ج) دفاع از خویشان در برابر ظلم:

در آیه‌ای دیگر نیز تأکید شده است که هنگام ستم‌دیدگی، افراد می‌توانند از خود دفاع کنند:

«هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوید، به دفاع از خویشان برمی‌خیزند».^۴

د) بازپس‌گیری حقوق بزه‌دیده و اجرای عدالت:

خداوند بر بازپس‌گیری حقوق بزه‌دیده تأکید دارد و مسیر اجرای عدالت را نشان می‌دهد:

^۴. شعراء، ۲۲۷.

^۵. بقره، ۱۹۴.

^۱. نساء، ۹۲.

^۲. نساء، ۱۴۸.

^۳. نساء، ۷۵.

همچنین فرمودند:

«لا تغلوا ولا تمثلوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا صبياً ولا امرأة»؛

خیانت نکنید، مثله نکنید، و پیرمردان فرتوت، کودکان و زنان را نکشید.

فقیهان شیعه و سنی نیز بر این باورند که در جهاد با کافران، کشتن پیرمردان، پیرزنان، خردسالان و سایر افرادی که در میدان جنگ مشارکت ندارند، جایز نیست.

بیانات حضرت علی(ع) نیز بر تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان تأکید دارد. ایشان در نامه ۱۴ نهج البلاغه می‌فرمایند:

«فاذا كانت الهزيمة باذن الله فلا تقتلوا مدبراً ولا تصيبوا معوراً ولا تجهزوا على جريح ولا تهيجوا النساء باذى و ان شتمن اعراضكم و بين امراءكم فانهن ضعيفات القوى و الانفس و العقول...»؛

چنانچه شکست دشمن به اراده خدا محقق شد، افراد در حال فرار را نکشید، مجروحان را نکشید و زنان را با آزار اذیت نکنید، حتی اگر به ناموس شما دشنام دهند و به فرماندهان شما ناسزا گویند؛ زیرا آنان از نظر نیرو، جان، و عقل ضعیف هستند.... (Hakim et al., 1999)

این اصول، نشان‌دهنده رویکرد انسانی و عادلانه اسلام در مواجهه با جنگ و تفکیک دقیق میان نظامیان و غیرنظامیان است. رعایت این قواعد، نه تنها حفظ حرمت انسانی را تضمین می‌کند، بلکه الگویی اخلاقی برای جنگ‌های عادلانه ارائه می‌دهد.

۶. حقوق بزه‌دیدگان غیرنظامی

در جهاد اسلامی، افراد غیررزمنده دشمن تا زمانی که در فعالیت‌های جنگی مؤثر نیستند، از مصونیت برخوردارند. با این حال، مفهوم «رزمنده دشمن» تنها شامل کسانی نیست که سلاح به دست دارند و جزئی از ارتش منظم هستند، بلکه شامل تمام افرادی

می‌شود که به نحوی در پیشبرد جنگ به نفع دشمن مؤثر باشند، هرچند سلاح در دست نداشته باشند (Negahdari, 2007).

بنابراین، در اسلام تمام افرادی که از اعمال خصمانه جنگی خودداری می‌کنند، غیررزمنده شمرده شده و حقوق آنان محترم است. حمایت از آسیب‌دیدگان غیرنظامی در جنگ، خواه در قالب حمایت‌های قانونی و قضایی و خواه در حمایت‌های مادی و معنوی، از ارکان اساسی اخلاق و تکالیف شرعی است که موجب خشنودی خداوند می‌شود. قرآن کریم نیز در آیات متعددی به حمایت از بزه‌دیدگان دعوت می‌کند، از جمله آیه ۷۵ سوره نساء. همچنین، حکومت نبوی و احادیث معصومان^{علیهم‌السلام} در این خصوص اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند (Yekta, 2010).

پیامبر اسلام(ص) اماکن مسکونی و افراد غیرنظامی را هدف قرار نمی‌داد و از استفاده از سلاح‌هایی که به این اماکن خسارت وارد می‌کرد، خودداری می‌نمود. ایشان همچنین مسموم کردن آب شرب مردم را جایز نمی‌دانستند (Abdollahi & Nasiri, 2007).

پیامبر در خصوص رفتار نیک با اسیران تأکیدات فراوانی داشتند و آزادی اسیران را از صفات برجسته یک مسلمان می‌دانستند. ایشان فرموده‌اند:

«با اسیران رفتار نیکو داشته باشید» و «به اسیران اکرام کنید و آن‌ها را در غذا بر خودتان مقدم دارید» (Khezri, 2014).

در عصر پیامبر(ص)، اسیران جنگی در شرایط مشابه با عموم مسلمانان زندگی می‌کردند و از سلامت جسمی کامل برخوردار بودند. مسلمانان موظف بودند کرامت انسانی اسیران را محترم شمارند و از ظلم به آنان پرهیز کنند، حتی اگر مستحق اعدام بودند (Jalali & Maghami, 2018).

پیامبر اسلام(ص) دستور داده بودند که کودکان، زنان، پیران، عابران و رهبانان که در غارها زندگی می‌کنند، نباید کشته شوند

«کسی از فقها را سراغ ندارم که با این مسئله مخالف باشد» و علامه حلی نیز در کتب خود بر این امر اجماع کرده است (Najafi, 1984).

لذا فقها اعم از شیعه و سنی، یک «قاعده فقهی» تأسیس کرده‌اند که براساس آن، افراد غیرنظامی نباید کشته شوند: «لا یقتل غیر القاتل»؛ غیر قاتل، کشته نمی‌شود (Majlesi, 1983). در کنار غیرنظامیانی که در سرزمین دشمن حضور دارند، آن دسته از غیرنظامیانی که در کشور اسلامی سکونت دارند نیز از مصونیت برخوردارند. اصول حقوق بین‌الملل و دیدگاه اسلام در این مورد یکسان است، اما اسلام مصونیت بیشتری برای این افراد قائل است. مطابق مقررات جهاد اسلامی، تمام اتباع دشمن که در دارالاسلام زندگی می‌کنند، مستأمن یا ذمی شمرده شده و تا زمانی که قوانین را رعایت کنند، از مصونیت و حمایت دولت اسلامی برخوردار خواهند بود. این حمایت شامل اموال و سایر حقوق سیاسی و مدنی آنان نیز می‌شود، مگر آنکه از این امکانات به نفع دشمن استفاده کنند (Negahdari, 2007).

۷. حمایت از مجروحان و بیماران جنایات جنگی

مجروحان و بیماران از جمله نخستین گروه‌های انسانی هستند که نیازمند حمایت ویژه‌ای می‌باشند. این افراد که دیگر توان تهدید نظامی ندارند، علاوه بر خروج از ستون دفاعی دشمن، حتی از دشمن مسلح خود نیز توقع کمک و نجات دارند. آن‌ها دیگر نیروی جنگی محسوب نمی‌شوند و بر اساس اصول اسلامی، کسانی که محارب و مقاتل نیستند نباید مورد تعرض قرار گیرند. بر این اساس، طبق قواعد بشردوستانه اسلام، چه در زمان جنگ و چه پس از آن، به این گروه از افراد دشمن که توان دفاعی و جنگی خود را از دست داده‌اند، نباید تعرضی صورت گیرد.

اجساد دشمن نیز باید از تعرض مصون باشند. زیرا مثله کردن اجساد دشمن و بی‌حرمتی نسبت به آن‌ها نه تنها مغایر با سنت

(Majlesi, 1983). پیامبر(ص) هر زمان گروهی را برای جنگ اعزام می‌کردند، به آن‌ها می‌فرمودند:

«در راه خدا با کافران بجنگید؛ بچه‌ها را نکشید؛ به آن‌ها خیانت نکنید و نقض عهد ننمایید» (Sharifi Tarazkouhi, 1996).

همچنین امام علی(ع) در نامه‌های خود به لشکریان، بر رعایت حقوق مجروحان، اسرا و فراریان تأکید داشتند و از اذیت و آزار زنان حتی در شرایط جنگ نهی می‌کردند:

«جز با کسی که با تو بجنگند، پیکار مکن. هرگاه دشمن را ملاقات کردی، در میان یارانت قرار گیر؛ نه آنقدر به دشمن نزدیک شو که خیال شود آتش جنگ را تو می‌خواهی روشن کنی، و نه آنقدر دور بایست که گمان برده شود از نبرد می‌ترسی. تا فرمان من به تو رسد. پیش از آنکه آن‌ها را به صلح و راه خدا دعوت کنی و راه عذرشان را در پیشگاه خداوند ببندی، به دلیل دشمنی خصوصی با آن‌ها پیکار نکنی»^۱.

همچنین در نامه چهاردهم نهج البلاغه به لشکرش پیش از روبه رو شدن با دشمن در صفین، در بیان رعایت حقوق مجروحان، فراریان، اسرا و زنان می‌فرمایند:

«با آن‌ها نجنگید تا آن‌ها پیش دستی کنند. واگذاشتن شما تا آن‌ها نبرد را شروع کنند، حجتی است به سود شما و به زیان آنان. آنگاه که به اذن خدا آنان را شکست دادید، فراریان را نکشید؛ و ناتوان‌ها را ضربت نزنید؛ و مجروحان را به قتل نرسانید؛ با اذیت و آزار، زنان را به هیجان نیاورید؛ گرچه آن‌ها به شما دشنام دهند و متعرض آبروی شما گردند و به سران‌تان بدگویی کنند. در زمان پیامبر(ص) دستور داده شده بود که دست از آزار آن‌ها برداریم، با اینکه مشرک بودند» (Abduh, 1989).

فقها نیز بر حمایت از افراد غیرنظامی تأکید کرده‌اند. صاحب جواهر الکلام می‌نویسد:

^۱. نامه دوازدهم نهج البلاغه خطاب به معقل بن قیس ریاحی.

پیامبر اسلام (ص) است (Kulayni, 2014)، بلکه ممکن است اقدام مقابله به مثل از سوی دشمن را به دنبال داشته باشد (Akhgari Bonab et al., 2009).

اسلام مجروحان جنگی را از جمله کسانی می‌داند که از مصونیت برخوردارند و باید از آن‌ها حمایت ویژه‌ای صورت گیرد. مفسران اسلامی، نهی از جنگ در آیه «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین»^۱ را به نهی مطلق تفسیر کرده‌اند. در نتیجه، هر عملی که عنوان تجاوز بر آن صادق باشد، از جمله تعدی به مجروحان جنگی، ممنوع است (Tabatabai, 2008).

پیامبر اکرم (ص) در فتح مکه، در توصیه به یاران خود، چند نکته را با تأکید یادآور شدند و آنان را از برخورد با چند گروه خاص برحذر داشتند. یکی از این گروه‌ها مجروحان جنگی بودند. ایشان فرموده‌اند:

«در کشتن مجروح شتاب نکنید و گریزان را تعقیب نکنید و آن‌که سلاح بر زمین نهاده در امنیت است» (Kulayni, 2014).

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز قبل از رویارویی با دشمن در جنگ صفین، توصیه‌هایی در خصوص رعایت اصول انسانی در جنگ به لشکریان خود کردند. ایشان فرمودند:

«اگر به اذن خدا دشمنان در جنگ شکست خوردند و گریختند، آن را که پشت کرده است نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید»^۲.

مصونیت و حمایت‌های ویژه شریعت اسلام از مجروحان، مشروط به این است که این افراد در وضعیت جدید در جبهه به نفع دشمن مشارکت جسمی و فکری نداشته باشند. زیرا هرگونه مشارکت در جنگ یا بازگشت به سمت دشمن، آن‌ها را به مثابه سرباز دشمن قرار می‌دهد (Shoupai Jouibari & Emami, 2016).

در خصوص مجروحان، در متون روایی امامیه به سه گروه از روایات برخورد می‌کنیم:

الف) سیره امیرالمؤمنین علی (ع)

روایاتی که به سیره حضرت علی (ع) در برخورد با مجروحان اشاره دارند، بر عدم قتل آنان تأکید می‌کنند و می‌گویند که سیره ایشان همانند سیره پیامبر اسلام (ص) در فتح مکه بوده است. در این روایت آمده است که امام صادق (ع) فرمودند:

«مردی از پدرم در خصوص جنگ‌های امام علی (ع) پرسید، امام باقر (ع) پاسخ داد: خداوند حضرت محمد (ص) را با پنج شمشیر فرستاد که سه تای آن‌ها «شاهره» (یعنی بیرون از غلاف) هستند و تا زمانی که جنگ پایان نیابد، این شمشیرها از غلاف بیرون نخواهند آمد. روش حضرت علی (ع) همانند روش پیامبر اسلام (ص) در فتح مکه بود که در آن زمان، هیچ یک از خانواده‌های دشمن اسیر نشدند و فرمودند: هر کس در خانه خود را ببندد و هر کس سلاح خود را زمین بگذارد در امان است» (Kulayni, 2014).

امیرالمؤمنین علی (ع) در جنگ بصره (جمل) نیز دستور دادند که: «ذریه دشمنان را اسیر نکنید، مجروحان را نکشید و فراریان را تعقیب نکنید. هر کس در خانه‌اش را بست و سلاح خود را بر زمین گذاشت در امان خواهد بود» (Kulayni, 2014).

ابوحزمه ثمالی نقل می‌کند که از امام سجاد (ع) پرسید: «حضرت علی (ع) در جنگ جمل برخلاف روش پیامبر اسلام (ص) با مشرکان رفتار کردند»، حضرت سجاد (ع) خشمگین شدند و سپس فرمودند: «به خدا سوگند! روش حضرت علی (ع) همانند روش پیامبر اسلام (ص) در فتح مکه بود» (Tusi, 2007).

ب) روایات ناهی از قتل مجروحان

روایات متعددی از قتل مجروحان و بیمارانی که در جریان جنگ اسیر شده‌اند نهی می‌کنند و تأکید دارند که باید مجروحان و بیمارانی

^۲ نهج البلاغه، ۱۱۸.

^۱ بقره، ۱۹۰.

عباس و مجاهد)، نهی از «اعتداء» در این آیه به منظور منع از کشتن زنان آورده شده است (Shoupai Jouibari & Emami, 2016). پیامبر اکرم (ص) در پایان یکی از جنگ‌ها مشاهده کردند که عده‌ای در کنار جنازه زنی اجتماع کرده‌اند. پس از اطلاع از کشته شدن آن زن، حضرت در مقام توبیخ عمل انجام‌شده فرمودند: «قطعاً این زن در حال جنگ نبوده است» (Ibn Kathir Al-Dimashqi, 1998).

امام صادق (ع) نیز فرمودند: «پیامبر از کشتن زنان در سرزمین دشمن نهی کرده‌اند، مگر آنکه وارد کارزار نظامی شوند. در صورت ورود به جنگ، باید تا حد امکان با آنان مدارا کرده و از کشتن آنان پرهیز نمود» (Akhgari, Bonab et al., 2009).

نمونه دیگری از حمایت‌های امامان از زنان جنگ‌زده، اقدام امام سجاد (ع) در واقعه «حره» است. در این حادثه که جنگ خونینی میان مردم مدینه و سپاه شام درگرفت، امام سجاد (ع) چهارصد زن از خاندان عبد مناف را تا زمانی که اوضاع آرام شود تحت حمایت خود قرار دادند. این زنان از جمله خانواده مروان بن حکم، دشمن سرسخت اهل بیت علیهم‌السلام، بودند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعالیم اسلامی مصونیت ویژه‌ای برای زنان قائل شده‌اند. برخی از فقهای شیعه در خصوص جواز کشتن زنان در جنگ، در صورتی که خود در جنگ شرکت کنند و رزمندگان دشمن را یاری دهند و علیه مسلمانان وارد عملیات شوند، تردید کرده‌اند. بسیاری از فقها نیز این اقدام را به صراحت رد کرده‌اند (Mahmoudnia & Hosseini, 2021).

۹. حمایت از کودکان جنگ‌زده

حمایت از کودکان در زمان جنگ را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) حفاظت از کودکان در برابر آسیب دشمن:

دشمن مداوا شده و به پشت جبهه منتقل گردند. یکی از این روایات از امام علی (ع) نقل شده که می‌فرماید: «اگر اسیری را گرفتید که قادر به حرکت نیست و همراه شما مرکب نیست، او را رها کنید و نکشید، زیرا شما نمی‌دانید حکم امام در مورد او چیست. همچنین اسیری که اسلام بیاورد، خودش محترم است و اموالش تبدیل به غنیمت می‌شود» (Tusi, 2007).

ج) روایات در خصوص مداوای مجروحان

در برخی روایات آمده است که اگر کسی از درمان مجروحی امتناع کند، شریک در گناه و جرم جراح محسوب می‌شود. این روایات هم شامل مسلمانان و هم غیرمسلمانان می‌شود. ابان بن تغلب از امام صادق (ع) روایت می‌کند که:

«مسیح (ع) می‌فرمود: کسی که از درمان زخم مجروحی امتناع کند، شریک جراح او است، زیرا جراح قصد فساد مجروح را دارد و کسی که او را درمان نکرده، خواهان اصلاح او نبوده و به ناچار خواهان فساد او است. شما نیز حکمت را به غیر اهلش باز مگویید تا مرتکب جهل شوید و از اهل آن دریغ نکنید که گناه مرتکب شوید. هر یک از شما باید مانند پزشکی درمانگر باشد که اگر جایی برای داروی خود یافت، اقدام کند و در غیر این صورت خودداری کند» (Kulayni, 2014).

۸. حمایت از زنان جنگ‌زده

در مفهوم اسلامی «حقوق بشر دوستانه»، زنان علاوه بر برخورداری از حمایت عمومی، از حمایت ویژه‌ای نیز برخوردار هستند. در کتب روایی و فقهی فصلی به نام «نهی از کشتن و آسیب به زنان و کودکان» وجود دارد. برخی آیات قرآن کریم و نیز سیره پیامبر خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به طور روشن بر منع خشونت علیه زنان و مصونیت آنان تأکید دارند.

به نظر بسیاری از مفسران قرآن، کشتن زنان از مصادیق تجاوز و ستم است که در قرآن، به موجب آیه ۱۹۰ سوره بقره، منع شده است. از جمله مفسرانی که این دیدگاه را نقل کرده‌اند (مانند ابن

در مقررات اسلامی نهادها و قواعدی پیش‌بینی شده که این حمایت را ممکن می‌سازد. در متون فقهی آمده است که بهترین مکان برای سکونت خانواده‌ها جایی است که از خطرهای دورتر باشد. در گذشته، سکونت در مناطقی مانند شهرهای مرکزی یا زیر نظر وزارت کشور برای حفظ امنیت کافی بود. اما امروزه، با پیشرفت شیوه‌ها و ابزارهای جنگ، مکان‌هایی طراحی شده‌اند که بیشترین امنیت و کمترین آسیب را برای شهروندان، به‌ویژه کودکان، فراهم می‌کنند.

یکی دیگر از راهکارهای شرع برای حمایت از کودکان، تأمین هزینه‌های خانواده‌های نیروهای نظامی و بازماندگان از بیت‌المال است. امامان نیز در برابر خانواده و فرزندان شهدای جنگ‌ها احساس تعهد می‌کردند. یکی از نمونه‌های این حمایت را می‌توان در سیره امام حسن مجتبی (ع) مشاهده کرد؛ جایی که ایشان در صلح‌نامه با معاویه سهمی از بیت‌المال را برای بازماندگان شهدای جمل و صفین تعیین کردند.

امام علی (ع) نیز به مالک اشتر توصیه می‌کنند تا مانند یک وصی مهربان، از خانواده شهدای جنگ حمایت کند. ایشان می‌فرمایند: «... و اگر یکی از سپاهیان و تکاوران نیروی ضربتی در جنگ با دشمن به شهادت رسید، خانواده‌اش را مانند وصی مهربان و مورد اعتماد سرپرستی کن تا اثر از دست دادن او بر آن خانواده پدید نیاید. زیرا این روش، دل پیروان را به تو جلب می‌کند و آن‌ها را برای فرمانبرداری آگاهانه و جانبازی در راه حکومت آماده می‌سازد» (Atabaki, 1997).

ب) حمایت از کودکان در برابر بلاهای جنگ:

فقیهان معتقدند که جهاد بر کودکان واجب نیست (Mughniyah)، زیرا آن‌ها مکلف به تکالیف شرعی نیستند. در شرع اسلام، بلوغ معیار اصلی تکالیف الهی است، چه تکالیف بدنی و چه مالی. علت برداشته شدن تکالیف از کودکان این است که

آنان فاقد توان و اختیار لازم برای انجام وظایف شرعی هستند. جهاد نیز از سخت‌ترین تکالیف برای مسلمانان بالغ است.

در قرآن کریم آمده است:

«کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ»؛ یعنی حکم جهاد بر شما مقرر

گردید، در حالی که برای شما دشوار و ناگوار است.^۱

این آیه به سختی جهاد برای مسلمانان بالغ اشاره دارد؛ چه برسد به کودکانی که توانایی جسمانی لازم را ندارند. خداوند حکم جهاد را از گروه‌های ضعیف و ناتوان برداشته است.^۲

در منابع فقهی امامیه و اهل سنت نیز روایات بسیاری از پیامبر اکرم (ص) بر عدم اجبار کودکان به جهاد نقل شده است. از مجموع این روایات چنین استنباط می‌شود که پیامبر (ص) داوطلبان جهادی را که زیر سن بلوغ بودند، نمی‌پذیرفتند و آنان را مخاطب تکلیف جهاد نمی‌دانستند. این در حالی بود که جامعه مسلمانان به علت کمی تعداد نیرو و زیادی دشمنان به تک‌تک افراد رزمنده نیاز داشت (Mahmoudnia & Hosseini, 2021).

نتیجه‌گیری

پس از وقوع جرایم علیه بشریت، نسل‌کشی، و جنایات جنگی به صورت گسترده و ظهور مفهوم مسئولیت کیفری در حقوق بین‌الملل، دیوان بین‌المللی کیفری نخستین نهاد کیفری بین‌المللی دائمی به شمار می‌آید. پیش از آن، دادگاه‌های کیفری موقت، مانند دادگاه نورنبرگ، دادگاه توکیو، دادگاه یوگسلاوی سابق، و دادگاه رواندا تشکیل شده بودند.

دیوان کیفری بین‌المللی با تفسیر خلاقانه از جنایات جنگی، گامی مؤثر در مسیر عدالت کیفری و جلوگیری از بی‌کیفرمانی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی برداشته است. تدوین قوانین و مقررات مربوط به این جرایم در اساسنامه رم از مهم‌ترین اقدامات آن است. بررسی اساسنامه پنج دادگاه کیفری نشان می‌دهد که جرم‌انگاری جنایات جنگی سیر تکاملی داشته و تدوین‌کنندگان

^۲. توبه، ۹۱.

^۱. بقره، ۲۰۶.

نمونه‌هایی مانند جنایات جنگی صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین و جنگ نابرابر سعودی‌ها علیه غیرنظامیان یمن (۲۰۱۶) نشان‌دهنده ضعف این تعهدات است.

تا زمانی که این قوانین با اعتقادات دینی پیوند نخورند، از ضمانت اجرایی و الزام کافی برخوردار نخواهند بود. آموزه‌های اسلامی الگویی کامل از حقوق جنگ ارائه می‌دهند که در مقایسه با معاهدات بین‌المللی معاصر، کارآمدتر به نظر می‌رسد. اسلام با تأکید بر حقوق انسانی، همواره مسلمانان را به رعایت حقوق غیرنظامیان، از جمله زنان، کودکان و سالمندان، توصیه کرده است. در اسلام، بزه‌دیده جایگاهی والاتر و حقوقی گسترده‌تر نسبت به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی دارد. در قرآن، روایات و سنت پیامبر اکرم (ص) و امامان علیهم‌السلام، بر احقاق حقوق مظلومان و بزه‌دیدگان تأکید شده است. پیامبر و امامان همواره در راستای حمایت از مظلومان و مقابله با ستمگران تلاش کرده‌اند.

اسلام، به‌عنوان دینی جامع و کامل برای تمام اعصار، تمامی جنبه‌های زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. دستاوردهای فعلی حقوق بشر و روابط بین‌الملل تنها بخشی از آموزه‌هایی است که اسلام از قرن‌ها پیش ارائه کرده است. این موارد نشان‌دهنده جایگاه والای حقوق بشری در اسلام و نقش آن در کاهش خسارات جنگی و حفظ ارزش‌های انسانی است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

War has been a persistent and defining phenomenon in human history, shaping societies through destruction, displacement, and trauma. Despite various attempts to restrict or prevent armed conflict through international law and diplomacy, wars

asasname‌های پیشین در تلاش بوده‌اند با گسترش دامنه جرم‌انگاری و رفع نواقص گذشته، اساسنامه‌ای جامع‌تر تدوین کنند.

حقوق بین‌الملل کیفری به دنبال جبران خسارات و برقراری عدالت کیفری از طریق جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی است. با این حال، بزه‌دیدگان غیرنظامی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جنایات جنگی، جایگاه واقعی و تعیین‌کننده‌ای در سیاست کیفری بسیاری از کشورها، به‌ویژه ایران، نیافته‌اند. پژوهش‌های جزایی اغلب بر عناصر جرم، مجرم و مجازات تمرکز دارند و بزه‌دیده از نظر دور مانده است.

ظهور بزه‌دیده‌شناسی در دهه‌های اخیر، رویکرد جدیدی با عنوان «حمایت از بزه‌دیدگان» را ارائه کرده است که شامل حمایت‌های روانی، پزشکی، قضایی و جبران خسارت می‌شود. این حمایت‌ها در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مطرح شده و در مورد بزه‌دیدگان غیرنظامی جنگ نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. جبران خسارات جنگ، به‌ویژه برای بزه‌دیدگان غیرنظامی، بخش مهمی از عدالت ترمیمی در حقوق بین‌الملل است.

دیوان بین‌المللی کیفری نیز بر تضمین مشارکت بزه‌دیدگان تأکید داشته و با فعالیت‌هایی مانند جبران خسارت، ارزیابی مالی، و نظارت بر روند جبران تلاش کرده است حقوق متهم و بزه‌دیده را توأمان رعایت کند. با این حال، عدالت کیفری درباره بزه‌دیدگان غیرنظامی جنگی هنوز با ابهاماتی مواجه است.

عبارات و مواد اساسنامه‌های مربوط به بزه‌دیدگان جنایات جنگی، از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، شفافیت کافی ندارند. اگرچه کنوانسیون‌های بشردوستانه به حفظ حقوق غیرنظامیان در جنگ‌ها می‌پردازند، این قوانین هنوز توان بازدارندگی کافی ندارند.

continue to occur globally, causing significant harm to civilian populations. Within this context, the role and recognition of war crime victims—particularly civilian victims—have become central issues in legal and ethical discourse. The emergence of victimology as an academic and legal field has highlighted the

necessity of moving beyond the offender-centric perspective in criminal justice, emphasizing the need to protect and restore the rights of those harmed. According to the 1985 Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power by the United Nations, a victim is defined as anyone who has suffered harm through acts or omissions that violate criminal laws (Wallin, 2006). This global understanding is complemented by national legal systems, such as Iranian criminal procedure law, which defines a victim as an individual who has incurred harm or damage from the commission of a crime (Mansourabadi & Foroughi, 2016). These legal definitions underline the significance of acknowledging victims' experiences and ensuring their rights within the judicial process. From an Islamic perspective, the victim occupies a position of moral urgency. Quranic verses and Hadiths from Prophet Muhammad and Imams stress the necessity of defending the oppressed and compensating for their losses. Islamic teachings highlight a divine commitment to justice that demands reparation and protection of victims, aligning closely with principles enshrined in international humanitarian law (Hatami & Asadi, 2019; Salimi, 2017).

This study adopts a descriptive-analytical methodology to explore the victimological dimensions of war crimes through both international legal standards and Islamic jurisprudential teachings. The research involves an in-depth review of Islamic texts—Quran, Hadith, and juristic writings—alongside international legal instruments such as the Geneva Conventions and the Rome Statute of the International Criminal Court. The data were collected from legal documents, scholarly interpretations, and Islamic sources that articulate the principles and duties related to the protection of victims in armed conflict. The researchers avoided predetermined

sample sizes and relied on purposive analysis of textual materials until theoretical saturation was achieved. The main analytical framework focused on the convergence and divergence between Islamic doctrines and international humanitarian norms, particularly regarding the protection of civilians, the treatment of war prisoners, the rights of women and children in conflict zones, and the sanctity of life even in warfare. The study utilized a comparative interpretive approach to bridge classical Islamic perspectives with contemporary legal developments, ensuring that religious principles were not treated as abstract ideals but as actionable frameworks for policy implementation.

The findings indicate a significant alignment between the core tenets of Islamic jurisprudence and the principles of international humanitarian law, especially regarding the protection of non-combatants. Islamic teachings categorically prohibit the killing of civilians, mutilation of corpses, and torture of prisoners. Prophet Muhammad's commands to his military forces included explicit instructions to avoid harming women, children, and the elderly and to refrain from destroying civilian homes or poisoning wells (Abdul Baqi, 1991). Similarly, Imam Ali emphasized compassion toward the wounded and discouraged the pursuit or killing of retreating enemies and non-combatants (Hakim et al., 1999). These values are mirrored in international legal norms that classify deliberate attacks against civilians as war crimes. The Geneva Conventions, particularly the Fourth Convention of 1949, marked a pivotal shift in extending legal protections to civilians during armed conflict (Hashemi et al., 2023). Before that, international law primarily shielded combatants, leaving non-combatants vulnerable. The convergence of these two traditions—Islamic and international—underscores the universal moral imperative to minimize harm and uphold dignity during

warfare. Moreover, both systems recognize the right of victims to reparation, including restitution, compensation, rehabilitation, satisfaction, and guarantees of non-repetition. The study also highlights that Islamic law not only endorses these rights but institutionalizes them through legal mechanisms like *diyah* (blood money) and *waqf* (endowments) for war-affected families.

In the discussion of civilians' legal status, both Islamic law and international law stipulate that those uninvolved in combat must not be targeted. The Rome Statute, under Article 8, defines four categories of war crimes that include grave breaches of the Geneva Conventions, targeting non-combatants, and violations committed during non-international armed conflicts (Ahmadnia & Ahmadnia, 2021). From an Islamic standpoint, such acts constitute severe moral transgressions. Jurists across Sunni and Shi'a traditions agree on the inviolability of the innocent, asserting that only combatants can be legitimate targets in warfare (Mohaghegh Damad, 1996). In this regard, victims are not passive entities but bearers of rights that the state and religious community are obligated to uphold. The historical conduct of Islamic leaders during conflicts provides further validation for this principle. For instance, Imam Ali's treatment of enemy combatants and non-combatants alike during the battles of Jamal and Siffin reflected an unwavering commitment to justice and human dignity. He prohibited the looting of property, killing of prisoners, and harming of civilians, including women and children (Majlesi, 1983). Such precedents not only reinforce the ethical dimensions of warfare but also offer practical guidance for modern military conduct in Muslim-majority countries. Moreover, the study reveals that Islamic governance frameworks extend protection to resident non-Muslims during wartime, categorizing them as "musta'min" (protected people) or "dhimmi"

(non-Muslims under Muslim protection), so long as they abide by the laws of the host country (Negahdari, 2007).

The Islamic approach to vulnerable groups in warfare, such as the wounded, prisoners of war, women, and children, demonstrates a remarkable ethical sophistication. In the case of the wounded and sick, Islamic texts emphasize non-aggression and care. Prophet Muhammad explicitly forbade killing wounded enemies and instructed his companions to refrain from mutilating corpses or pursuing fleeing adversaries (Kulayni, 2014). This protection extended even to enemy combatants who had laid down their arms or were incapacitated. Imam Ali reiterated these principles in his wartime letters and commands to his troops, stressing the importance of upholding ethical conduct even in the heat of battle (Tusi, 2007). Women, too, receive explicit protections in Islamic law. The Quran and Hadith literature uniformly condemn violence against women, and historical records affirm that women were spared from harm unless they actively participated in combat (Ibn Kathir Al-Dimashqi, 1998). The Prophet's strict prohibition on the killing of women and children, even during intense conflicts, exemplifies the Islamic ethic of restraint and mercy. Furthermore, Islamic governance extended material and emotional support to war widows and orphans, a practice institutionalized through state allocations from public treasury or *waqf* (Atabaki, 1997). Children were categorically excluded from warfare, with participation in jihad contingent upon reaching the age of maturity, thus aligning with the modern legal principle that children must be shielded from combat-related responsibilities (Mughniyah).

The implications of this study are profound for both academic scholarship and policy formulation. It demonstrates that Islamic jurisprudence offers a comprehensive ethical

and legal framework for addressing the rights and needs of war crime victims. Unlike the often bureaucratic and reactive nature of international criminal law, Islamic teachings advocate for proactive and compassionate treatment of victims. The ethical obligations embedded in Islamic legal texts not only prohibit harm but also mandate restorative actions. While modern legal systems often struggle with implementation gaps, especially in the context of international enforcement, Islamic law embeds these duties within moral and religious obligations that are intended to be internalized by both rulers and citizens. Furthermore, the convergence of Islamic and international norms opens opportunities for greater legal harmonization and dialogue between religious and secular systems of justice. The inclusion of Islamic perspectives can enrich global legal discourse by offering time-tested principles grounded in spirituality, ethics, and community responsibility. The study also underscores the urgency of integrating these teachings into contemporary policy frameworks in Muslim-majority countries, where legal systems are often hybrids of religious and civil codes. By foregrounding victim rights in both international and religious traditions, this research advocates for a more humane and justice-oriented response to the atrocities of war.

References

- Abdollahi, M., & Nasiri-Mahalati, Z. (2007). A report on the latest developments in the violation of Iran's immunity in US courts. *Yearbook of Comparative and International Law*, 3(1).
- Abduh, M. (1989). *Commentary on Nahj al-Balagha*. Al-Istiqamah Press.
- Abdul Baqi, N. A. (1991). *Public International Law*. Dar Al-Adhwa.
- Ahmadnia, H., & Ahmadnia, Z. (2021). The Evolution of Criminalization of War Crimes in the Statutes of Five International Criminal Courts. *Comparative Criminal Jurisprudence*, 1IS - 1, 17-28.
- Akhgari Bonab, N., Lotfi, A., & Faghihi, M. (2009). *Investigative Study of Humanitarian Law in Islamic Sources and International Documents: Protected Persons in Armed Conflicts*. Hasti Nama.
- Atabaki, P. (1997). *The Legacy of Wisdom: Translation of Tuhaf al-Uqul*. Farzan Rooz.
- Bayliss, J., Wirtz, J., Cohen, E., & Gray, C. (2018). *Strategy in the Contemporary World: An Introduction to Strategic Studies*. Abrar.
- Beigi, J., & Nejati, J. (2021). Strategies of International Policy-Making Systems Regarding the Crime of Persecution and Its Criminalization in Iranian Law. *Majles and Strategy*(108), 357-387.
- Eslami, E. (2016). The Status of Victim Protection in Cybercrime in Domestic and International Criminal Laws. *Islamic Law*, 17(1), 157-182.
- Hakim, S. M., Khosroshahi, G., Namamian, P., & Shokaribigi, A. (1999). The Ethics of War or War Piety in Islam Crime Prevention in Light of Religious Teachings. *Articles and Reviews*, 6(65), 39-62.
- Hashemi, V., Javadi, M. H., & Jafarzadeh, S. (2023). Rights of Civilian Victims in War from the Perspective of Islamic Ethics and International Documents. *Ethics in Science and Technology*, 18(3), 1-9.
- Hatami, M., & Asadi, O. (2019). The Origins of Victim Rights in Islam and Iran Compared to the Statute of the International Criminal Court. *Studies in Jurisprudence and Principles*, 2(1), 167-190.
- Ibn Kathir Al-Dimashqi, I. b. U. (1998). *Al-Bidaya wa Al-Nihaya*. Maktabat Al-Ma'arif.
- Jalali, M., & Maghami, A. (2018). Interaction between Iranian law and international criminal law in criminalizing the use of chemical weapons. *Name Mofid*, 70.
- Javani, J. (2011). *Examining War Crimes in the Statute of the International Criminal Court* Tehran.
- Khezri, S. M. (2014). Government immunity from the perspective of international law. *Research of Legal Ideas*, 3(2).
- Kity Chaisari, K. S. (2004). *International Criminal Law*. SAMT Publications.
- Kulayni, M. b. Y. q. (2014). *Usul al-Kafi*. Dar Al-Thaqalayn.
- Lal Alizadeh, M. (2015). Comparative Study of Victim Participation in Specialized International Criminal Courts and the International Criminal Court. *Comparative Law Studies*, 6(2), 773-792.
- Mahmoudnia, M., & Hosseini, S. E. (2021). The Principle of Distinction in Humanitarian Law for the Protection of Civilians. *Public Law Thoughts*, 13(23), 7-26.
- Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar*. Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Mansourabadi, A., & Foroughi, F. (2016). *Criminal Procedure 1*. Mizan Publications.

- Mohaghegh Damad, S. M. (1996). Drafting International Humanitarian Law and Its Islamic Concept. *Legal Research*(18), 147-210.
- Mughniyah, M. J. *Fiqh of Imam Sadiq*. Ansarian Publications.
- Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-Kalam*. Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Negahdari, O. (2007). Civilian Warfare and Humanitarian Law in Islam. *Ma'rifat*, 16(16SP - 33), 46.
- Pourbafrani, H. (2018). *International Criminal Law*. Jangal Publications.
- Salimi, A. (2017). Victimological Approach in the Quranic Theory of Deviance. *Cultural and Social Knowledge*, 8(4), 23-44.
- Sharifi Tarazkouhi, H. (1996). *The Law of War*. Research Institute of Defensive and Strategic Sciences, Imam Hossein University.
- Shiri, A. (2016). The paradigms of criminal justice, punitive justice and restorative justice. *Journal of the Faculty of Law and Political Science. University of Tehran*, 74.
- Shoupai Jouibari, R., & Emami, M. (2016). *Encyclopedia of Islam and International Humanitarian Law*. Mizan Publications.
- Tabatabai, S. M. H. (2008). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Raja Cultural Publishing Center.
- Tusi, M. b. H. (2007). *Tahdhib al-Ahkam*. Noor Wahy.
- Wallin, L. (2006). Victims and Witnesses in International Crimes: From the Right to Protection to the Right to Expression. *International Law Journal*, 23(34), 33-56.
- Yekta, H. (2010). The use of chemical weapons in the Iran-Iraq war, last part. *Journal of Negine Iran*, 2(5).
- Ziaei Bigdeli, M. (2001). *The Law of War (International Law of Armed Conflicts)*. Allameh Tabataba'i University Press.